



آشنایی حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ خالد العطیه با شهید محراب به آغاز دوران تحصیلش در حوزه نجف اشرف بازمی‌گردد. از همین رو گفت‌وگوی وی با «شاهد یاران» نکات عدیده‌ای از تاریخ این دوران پر جنب و جوش و پرفراز و نشیب را بازگو می‌کند که برای علاقه‌مندان از اهمیت برخوردار است.

• درآمد

■ گفت‌وگوی «شاهد یاران» با حجت‌الاسلام شیخ خالد العطیه

نایب رئیس مجلس عراق

## خبر شهادتش همچون صاعقه‌ای بر سرم فرود آمد...

جمعه هنگام بازگشت از زیارت امام حسین (ع) در حادثه‌ای ساختگی به شهادت رسید. یکی دیگر از فرزندان خاندان حکیم نیز هنگام اسارت در منزل مسکونی‌اش بر اثر فشارهای فزاینده مأموران بعثی و در سایه فضای رعب و وحشت شهید شد.

در واقع هر چه فکر می‌کنم به این نتیجه می‌رسم که خداوند چه عنایات‌ها و برکات بزرگی به این خانواده شریف ارزانی داشته است. آن را نماد فداکاری و از جان گذشتگی ملت عراق در دوران ۳۵ ساله حکومت حزب بعث قرار داده است.

حقیقت دوم این‌که، شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم از دوران جوانی تا زمان شهادت (چند ماه پس از سرنگونی رژیم حزب بعث)، شاهد شکل‌گیری جنبش و نهضت اسلامی عراق از نیمه دهه پنجم قرن بیستم بوده و در شکوفایی این جنبش نقش فعال و چشمگیر داشته است. چنانچه تاریخچه شخصیت‌های برجسته و معاصر، نشانه‌ها، دور نماها، فداکاری‌ها، شجاعت‌ها و مبارزات خستگی‌ناپذیر این مرحله را جست‌وجو کنید، هرگز مانند سیمای شهید سیدمحمدباقر حکیم را نخواهید یافت. گمان نمی‌کنم در مرحله کنونی شخصیتی برتر از او در درون جنبش اسلامی بیابید. او عصاره مرجعیت دینی است که در قرن گذشته در جهاد خستگی‌ناپذیر با استعمارگران پیشگام بوده است. می‌دانید که شهید محراب سیدمحمدباقر حکیم در

از آنان مرجع تقلید و یا مجتهد جامع‌الشرایط و یا استاد برجسته حوزه علمیه نجف اشرف بودند. این ده فرزند پسر، ضمن اینکه به علم و اجتهاد شهرت داشتند، پرهیزگار و متعهد به مسایل دینی و در خدمت به

**امتیاز خاندان حکیم این است که شش تن از فرزندان امام سیدمحمسن حکیم در قربانگاه شهادت و فداکاری در راه اسلام، و در راه جنبش اسلامی و حفظ منافع ملت عراق، و در راه دفاع از شرف و عزت و حیثیت اسلام در زندان‌های رژیم صدام به شهادت رسیدند.**

اسلام بوده و در چارچوب مرجعیت پدرشان حرکت کرده و هرگز از این مسیر عدول نکردند.

امتیاز خاندان حکیم این است که شش تن از فرزندان امام سیدمحمسن حکیم در قربانگاه شهادت و فداکاری در راه اسلام، و در راه جنبش اسلامی و حفظ منافع ملت عراق، و در راه دفاع از شرف و عزت و حیثیت اسلام در زندان‌های رژیم صدام به شهادت رسیدند. یکی از فرزندان این خانواده در یکی از شب‌های

روابط دوستانه شما با شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم از چه زمانی و چگونه آغاز شد؟

بسم الله الرحمن الرحیم: از هنگام پیوستن به حوزه علمیه نجف اشرف در اوایل دهه ششم از قرن بیستم، افتخار آشنایی با شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم را یافتم. در حقیقت در حوزه درس شهید آیت‌الله العظمی سیدمحمدباقر صدر، مرجع تقلید و اندیشمند بزرگ با او آشنا شدم. او را از شاگردان ممتاز حوزه شهید صدر، و از استادان برجسته حوزه علمیه نجف اشرف یافتم که افتخار شاگردی او را تا سطوح عالی نیز داشتم. از روزی که با شهید محراب آشنا شدم، او یکی از فعالان بیت مرجعیت پدرش، آیت‌الله العظمی سیدمحمسن حکیم بود.

روابط دو شهید سیدمحمدباقر حکیم با سیدمحمدباقر صدر را چگونه یافتید؟

پیش از پاسخ به این پرسش علاقه‌مندم درباره شخصیت و نقش آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم به دو حقیقت اشاره کنم:

حقیقت اول این است که شهید حکیم یکی از پسران دهگانه مرحوم امام سیدمحمسن حکیم بود. خانواده این مرجع بزرگ در تاریخ معاصر نسبت به سایر مراجع تقلید وقت برتری اصولی داشت. به ویژه اینکه این ده فرزند همگی به حوزه علمیه پیوسته و از اساتید و علمای نامدار و گرامی حوزه به شمار می‌آمدند. برخی



نیمه دهه پنجم قرن بیستم و در اوج جوانی، به جنبش نوپای اسلامی عراق پیوست، و رسالت و مسئولیت دینی و ملی خویش را شناخت. به تعبیری گویا، او از بنیانگذاران این جنبش به شمار می‌رفته است. به یاد داریم پس از کودتای ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸ هنگامی مرجعیت دینی بار مسئولیت سنگین دفاع از حریم اسلام و منافع ملت عراق در برابر جریان‌های فکری وارداتی را بر دوش گرفت. شهید محراب سید باقر حکیم با تلاش خستگی‌ناپذیر و در سایه مرجعیت صالح و رشید پدر گرامی خود در برابر جریان‌های سیاسی و فکری سکولار و الحادی ایستاد. چرا که این جریان‌ها، اسلام را قبول نداشته و به آن اهانت می‌کردند. سرکوب حوزه علمیه را آغاز کرده بودند. مرجعیت امام سیدمحسن حکیم به منظور دفاع از حریم اسلام در برابر تهاجم فکری گروه‌های الحادی و کمونیستی به سوی سایر مراجع تقلید وقت و به سوی جنبش اسلامی دست همکاری دراز کرد. این اقدام بی‌نظیر پیش از دوران مرجعیت امام سیدمحسن حکیم سابقه نداشته است.

آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم مرجع تقلید وقت شیعیان جهان، همچنین علمای جوان و با استعداد حوزه علمیه نجف اشرف را تشویق کرد تا به جنبش نوپای اسلامی بپیوندند، تا این جنبش در چارچوب نهضت فکری و بیداری اسلامی از توان و استعدادهای آنان بهره‌مند شود. آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر رهبر و بنیانگذار جنبش اسلامی عراق در نیمه دهه پنجم قرن بیستم از برجسته‌ترین جوانان و توان‌های با استعداد آن دوره بود که توسط مرجعیت آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم گزینش شده بود. او پس از رحلت امام سیدمحسن حکیم مرجعیت دینی حوزه علمیه نجف اشرف را بر عهده گرفت.

اکنون که از تاریخچه پیدایش جنبش اسلامی در عراق سخن به میان آمد، موافقتی که به مبارزات سیاسی سید مهدی حکیم برادر بزرگ‌تر شهید محراب نیز اشاره‌ای داشته باشید؟

در حقیقت این دو برادر، سید مهدی حکیم و سیدمحمدباقر حکیم دو عالم بزرگ و دو فرزند نیک صفت مرجعیت وقت شیعیان جهان امام سیدمحسن حکیم، در پی کودتای عبدالکریم قاسم اولین رئیس جمهوری عراق در ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸ کوشیدند در سایه مرجعیت پدر در برابر جریان‌های فکری کمونیستی و الحادی بایستند. این دو با برگزاری و شرکت در گردهمایی‌ها و سمینارهای فکری و علمی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و فرهنگی و ایجاد پل‌های ارتباطی با مراجع جوان همچون سیدمحمدباقر صدر و جنبش اسلامی، کار رویارویی با جریان‌های فکری وارداتی را نهادینه کردند.

در پی گسترش روز افزون نفوذ حزب بعث در عراق، دامنه رویارویی آقایان سیدمحمدباقر و سید مهدی حکیم با اقدامات سرکوبگرانه و تحریک آمیز رژیم بر ضد حوزه علمیه گسترش یافت. در نتیجه این مبارزه خستگی‌ناپذیر و نیز در نتیجه ساماندهی جنبش

مقاومت مردمی، این دو بزرگوار مورد تعقیب قرار گرفته و چند بار به زندان افتادند.

پس از شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر و در پی اوج‌گیری گستاخی و بیرحمی یعنی‌ها، آن دو به ناچار به خارج از عراق هجرت کردند. سیدمحمدباقر به ایران آمد و سید مهدی به لندن رفت، تا مرحله جدیدی را در برنامه‌ریزی مبارزه و مقاومت بر ضد رژیم سرکوبگر و ستمگر حاکم بر ملت عراق آغاز

**شهادت محراب سیدمحمدباقر حکیم در نیمه دهه پنجم قرن بیستم و در اوج جوانی، به جنبش نوپای اسلامی عراق پیوست، و رسالت و مسئولیت دینی و ملی خویش را شناخت. به تعبیری گویا، او از بنیانگذاران این جنبش به شمار می‌رفته است**

کنند.

در مرحله کنونی، شاهد بودیم که شهید محراب از خارج عراق، مسئولیت پیکار و جهاد را در حوزه‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی و فکری بر عهده داشته است. او با شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون جنبش اسلامی مردم عراق را بر ضد رژیم خودکامه رهبری کرد. در حقیقت سپاه بدر یکی از سازمان‌های نیرومند شبه نظامی جنبش اسلامی عراق است که با ابتکار شهید محراب به وجود آمد. این سپاه در چارچوب تشکیلات سیاسی مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق بنیانگذاری شد که آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم

رهبری آن را نیز بر عهده داشت. آقای حکیم علاوه بر پیکار نظامی و سیاسی، همچنین در راه تلاش برای سرنگونی رژیم ظالم عراق فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی خارج از چارچوب برنامه‌های مجلس اعلاى انقلاب داشته است. او به منظور بسیج محافل سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای و بسیج محافل سیاسی و نظامی داخل عراق، تماس‌ها و ارتباطات گسترده با این محافل را برقرار کرد اما، به‌رغم همه این فعالیت‌ها، هرگز نقش اصلی خود را به‌عنوان یک آموزگار فکری و علمی که در کنار برادرش سید مهدی حکیم در نجف آغاز کرده بود فراموش نکرد. همان مسیر علمی که در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز کرده بوده را در ایران نیز ادامه داد. او به تدریس، تألیف، نگارش مقالات علمی و شرکت در همایش‌ها و سمینارهای علمی و فکری و جلسات گوناگون گفت و شنود پرداخت، که هم اینک میراث فرهنگی و فکری گرانبها و آثار ارزشمندی در زمینه علوم قرآن کریم و تاریخ اسلامی و سیره ائمه اطهار و نیز در حوزه تفکر سیاسی و اقتصاد اسلامی و سایر موضوعات علمی از شهید محراب برجای مانده که دانش‌پژوهان و محققان و اندیشمندان مسلمان از آن بهره‌می‌برند.

به نظر شما، ایشان چه بنیان‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و نظامی را پایه‌گذاری کرد که بتوانند در سرنوشت مردم عراق نقشی مؤثر ایفا کنند؟

در حقیقت دامنه فعالیت‌های آیت‌الله حکیم بسیار گسترده بود. او به‌طور مؤثر و هماهنگ در چارچوب حوزه‌های سیاسی، علمی و فرهنگی و تبلیغاتی حرکت می‌کرد. همه این فعالیت‌ها در قالب واحدهای تشکیلاتی مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق انجام می‌شد. این مجلس نماد و سیما و نوک پیکان مبارزه جنبش اسلامی عراق را تشکیل می‌داد. در پرتو این



## آقای حکیم چنین نتیجه گرفته بود که تحریم‌های سازمان ملل و مجازات‌های اقتصادی که از سوی کشورهای بزرگ بر عراق تحمیل شده است، تنها متوجه ملت عراق بوده و هیچ آسیبی به رژیم جنایتکار نمی‌رساند. رژیم در رفاه و آسایش زندگی می‌کند و همه گونه امکانات در اختیار او وجود دارد

امنیت سازمان ملل متحد میان رژیم جنایتکار و ملت قربانی این رژیم تفاوت قائل نیست و همانطور که ملت‌های ایران و کویت قربانی جنایات صدام و رژیم متجاوز او هستند، ملت عراق نیز قربانی تبهکاری‌های آن رژیم قرار گرفته است. بنابر این آیت‌الله حکیم از محافل و مجامع بین‌المللی می‌خواست طوری رژیم حزب بعث را مجازات کند که آسیبی به ملت مظلوم عراق وارد نیاید. به هر حال آقای حکیم چنین نتیجه گرفته بود که تحریم‌های سازمان ملل و مجازات‌های اقتصادی که از سوی کشورهای بزرگ بر عراق تحمیل شده است، تنها متوجه ملت عراق بوده و هیچ آسیبی به رژیم جنایتکار نمی‌رساند. رژیم در رفاه و آسایش زندگی می‌کند و همه گونه امکانات در اختیار او وجود دارد، و این تنها مردم هستند که از گرسنگی و محرومیت و کمبود مواد غذایی و دارو رنج می‌برند. همکاری شهید محراب با جناح‌های سیاسی مخالف صدام تا چه اندازه بود؟

شهید محراب با همه احزاب و سازمان‌های سیاسی که برای سرنگونی رژیم صدام و جایگزینی نظام مستقل تلاش می‌کردند، همکاری کرد. مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و همه احزاب و گروه‌های سیاسی اسلامی و غیر اسلامی برای عزت و سربلندی ملت عراق و ضرورت مشارکت مردم در اداره امور کشور اتفاق نظر داشتند. شهید محراب در چارچوب تلاش برای سرنگونی رژیم منفور گذشته به سوی همه احزاب و نیروهای سیاسی عرب، کرد، شیعه، سنی مسلمان و لائیک دست دوستی و همکاری دراز کرده بود.

**آقای حکیم شانزده هفته پس از بازگشت به میهن به شهادت رسید، خبر شهادت ایشان را چگونه تحمل کردید؟**

پس از سرنگونی رژیم صدام، دو بار با شهید محراب در نجف اشرف ملاقات کردم. در روز فاجعه من در لندن به سر می‌بردم، هنگامی که این خبر را شنیدم به شدت شوکه شدم. گویی صاعقه‌ای بر سرم فرود آمد. احساس درد و اندوه کردم؛ چرا که ملت عراق شخصیتی بزرگ، و پیشوایی کم نظیر را از دست داد. او تجسم آرمان‌های ملت عراق بود. ملت برای سازندگی عصر حاضر و آینده به او چشم دوخته بود. ■

اقتدار مسلمان عراق با سایر مذاهب اسلامی پیوند و تفاهم وجود داشته باشد، تا همه ملت‌های اسلامی برای تحقق اهداف و آرمان‌های مقدس خود در صلح و صفا و آسایش زندگی کنند.

**شهید محراب همواره با مهاجران عراقی مقیم کشورهای سوریه، لبنان، عربستان سعودی و انگلیس دیدار می‌کرد. هدف ایشان از این دیدارها چه بود؟**

در واقع هدف ایشان از این سفرها، آگاهی از اوضاع و احوال مهاجرانی بود که بنا حق از سرزمین خود اخراج شده بودند. آیت‌الله حکیم با این دیدارها می‌کوشید تا پیوند و ارتباط مهاجران عراقی با میهن‌شان را حفظ کند. می‌کوشید از امکانات آنان برای سرنگونی رژیم صدام و سازندگی عراق جدید که پس از صدام به وجود می‌آید، بهره‌برداری کند. چرا که بیشتر آنان از اقتدار تحصیل کرده و فرهیخته جامعه بودند. شهید محراب بر این اساس با اقلیت‌های عراقی در کشورهای گوناگون دنیا دیدار، و به مشکلات آنان رسیدگی می‌کرد.

**نظر شما درباره نقش شهید حکیم در تعدیل فشارهای مجامع بین‌المللی که به جای هدف قرار دادن رژیم صدام، شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم عراق را به وخامت می‌کشید، چیست؟**

مسئله‌ای که مطرح کرده‌اید، ابعاد گسترده‌تری داشت. اصولاً شهید حکیم میان رژیم حزب بعث و ملت عراق تفاوت قائل بود. در حالی که او برای سرنگونی رژیم پلید و منحرف صدام پیکار و مبارزه می‌کرد، در عین حال اصرار داشت مجازات‌های اقتصادی سازمان ملل متحد بر ضد رژیم صدام، هیچ آسیبی برای ملت عراق نداشته باشد.

شهید محراب بر این باور بود که تحریم‌های شورای

مبارزات خستگی‌ناپذیر، سپاه بدر به‌عنوان بازوی نیرومند مقاومت مسلحانه جنبش اسلامی، مسئولیت پیکار و رویارویی جهاد گونه با رژیم خونخوار صدام را بر عهده داشت. رزمندگان این سپاه با انجام عملیات مقاومت مسلحانه در داخل عراق، پایه‌های رژیم صدام را پیش از سقوط نهایی متزلزل ساخت. پس از سقوط رژیم حزب بعث نیز به روشنی ملاحظه کردیم که رزمندگان سپاه بدر مسئولیت‌های سنگینی در شکل‌گیری نظام جدید و برقراری ثبات در کشور بر عهده داشتند.

«مؤسسه شهید صدر» که توسط آیت‌الله حکیم در تهران تأسیس و اداره شد، انواع خدمات اجتماعی را به مهاجران و آوارگان عراقی ارائه می‌داد. شهید محراب نه فقط از طریق روابط عمومی و تماس با محافل اقتصادی کمک‌ها و نیازهای ضروری این مؤسسه را تأمین می‌کرد. بلکه با مدیریت و برنامه‌ریزی سالم فکری و عملی فعالیت‌های آن را در همه زمینه‌ها مدیریت می‌کرد. مؤسسه شهید صدر بار سنگین مشکلات را از دوش مهاجران عراقی برداشته و یا لاقلاً از دردها و رنج‌های آنان می‌کاست.

شهید محراب آیت‌الله سید محمدباقر حکیم در دوران اقامت در جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر تقدیم کمک به مهاجران عراقی، همواره به کشورهای گوناگون سفر می‌کرد، و با مسئولان دولت‌ها و محافل و سازمان‌های بین‌المللی تماس می‌گرفت، و برای رسیدگی به اوضاع مهاجران عراقی پراکنده در کشورهای گوناگون جهان نیز گفت‌وگوهای مؤثری به عمل می‌آورد. او همچنین با شرکت در کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و محلی می‌کوشید افکار عمومی را بر ضد رژیم حزب بعث حاکم بر عراق بسیج کند. تا زمینه سرنگونی آن را فراهم آورد.

**نقش آیت‌الله حکیم در برپایی همایش‌های بین‌المللی تقریب بین مذاهب اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

این مشارکت‌ها نیز بخشی از فعالیت‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی شهید محراب را تشکیل می‌دهد. او مدتی ریاست مؤسسه بین‌المللی تقریب بین مذاهب اسلامی را بر عهده داشت، و بر این باور بود که وحدت و یکپارچگی مسلمانان برای رویارویی با دشمنان اجتناب‌ناپذیر است. او همواره بر ضرورت بسیج همه امکانات و توانمندی‌های مسلمانان به منظور برپایی رستاخیز و نهضت بیداری اسلامی که ملت عراق بخشی جداناپذیر از آن است تأکید می‌کرد. شهید محراب به ضرورت تحکیم همبستگی و همکاری و همزیستی سالم میان پیروان همه مذاهب و فرق و طوایف اسلامی اعتقاد راسخ داشت. چرا که مسلمانان تنها با اتحاد و یکپارچگی می‌توانند در برابر دشمن مشترک‌شان بایستند. نظر به اینکه مسلمانان در این منطقه زندگی می‌کنند و تاریخ و فرهنگ مشترک سرنوشت آنان اقتضا می‌کند که با همزیستی در کنار یکدیگر زندگی کنند. بنابر این شهید محراب تلاش کرد میان

